309385 ـ مقصود از اشتراک در نیت میان روزۀ مقصود لذاته و روزۀ غیر مقصود لذاته

سوال

چگونه میان روزۀ مقصود لذاته (روزه‌ای که خودش هدف است) و روزۀ غیر مقصود لذاته (روزه‌ای که خودش هدف نیست) تفاوت قائل شویم تا نیت اشتراک در روزه صحیح باشد؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

نخست:

ضابط اشتراک میان عبادت‌ها در نیت این است که: یکی از آن‌ها «غیر مقصود لذاته» (عبادتی که هدف از آن تنها انجام دادن یک عبادت در زمانی خاص است) باشد تا با نیت، در دیگری وارد شود.

این قاعده شامل روزه و دیگر عبادت‌ها می‌شود.

در روزه: روزۀ «مقصود لذاته» (عبادتی که به خودی خود هدف است) مانند روزۀ رمضان، قضای آن، روزۀ نذر و روزۀ روزهای خاص مانند روز عرفه، روز عاشورا و روز دوشنبه است. البته با وجود اختلاف نظر در برخی از این روزها که آیا مقصود لذاته هستند یا خیر؟

اما روزۀ «غیر مقصود لذاته»: روزه‌ای است که هدف در آن تنها به‌جا آوردن روزۀ مستحب است، بدون در نظر گرفتن خصوصیت آن روز؛ مانند روزۀ سه روز از هر ماه.

پس اشتراک در نیت میان روزۀ عرفه یا روزۀ دوشنبه، با روزۀ یکی از این سه روز جایز است.

در «الموسوعة الفقهية» (۱۲/ ۲۴) آمده است: «اگر دو عبادت را در نیت با هم شریک کند، چنانچه مبنای آن‌ها بر تداخل باشد ـ مانند غسل جمعه و جنابت، یا جنابت و حیض، یا غسل جمعه و عید ـ یا یکی از آن‌ها غیر مقصود باشد ـ مانند تحیت مسجد (نماز ورود به مسجد) همراه با نماز واجب یا سنتی دیگر ـ این کار به عبادت خللی وارد نمی‌کند؛ زیرا مبنای طهارت بر تداخل است و تحیت [مسجد] و امثال آن مقصود لذاته نیستند، بلکه مقصود اشغال آن مکان با نماز است، پس در دیگری ادغام می‌شود.

اما اشتراک میان دو عبادتِ «مقصود لذاته» (عبادتی که به خودی خود هدف است) مانند نماز ظهر و سنت‌های آن (راتبه)، جایز نیست که در یک نیت با هم شریک شوند؛ زیرا آن‌ها دو عبادت مستقل هستند که یکی در دیگری ادغام نمی‌شود».

دکتر عمر سلیمان اشقر رحمه الله گفته است: «کسی که معتقد به حاصل شدن دو عبادت با یک فعل در چنین مواردی است، دلیلش این است که مقصود شارع با انجام آن فعل محقق می‌شود؛ پس تحیت مسجد با ادای نماز واجب حاصل می‌شود، چه نیت تحیت را کرده باشد و چه نکرده باشد؛ زیرا مقصود، اشغال آن مکان با عبادت است». «مقاصد المکلفین» (۲۵۵).

از شیخ ابن‌عثیمین رحمه الله پرسیده شد: آیا جایز است در یک عبادت، نیت بیش از یک عبادت را داشته باشیم؛ مثلاً وقتی هنگام اذان ظهر وارد مسجد می‌شویم، دو رکعت نماز بخوانیم و نیت تحیت مسجد، سنت وضو و سنت راتبهٔ ظهر را بکنیم؟ آیا این کار صحیح است؟

ایشان چنین پاسخ دادند:

«این قاعده مهمی است که: «آیا عبادت‌ها با هم تداخل می‌یابند؟» می‌گوییم: اگر عبادتی تابع عبادت دیگری باشد، تداخلی میان آن‌ها نیست؛ این یک قاعده است.

مثال آن: نماز فجر دو رکعت است و سنت آن نیز دو رکعت است؛ این سنت مستقل است اما تابع [نماز فجر] است؛ یعنی سنت راتبهٔ فجر و مکمل آن است، پس نه سنت جایگزین نماز فجر می‌شود و نه نماز فجر جایگزین سنت؛ زیرا سنتِ راتبه، تابع فریضه است. پس هرگاه عبادتی تابع دیگری باشد، جایگزین آن نمی‌شود، نه تابع و نه اصل.

مثالی دیگر: نماز جمعه سنت راتبه‌ای بعد از خود دارد؛ پس آیا انسان می‌تواند تنها به نماز جمعه بسنده کند تا او را از سنت راتبهٔ بعد از آن بی‌نیاز کند؟

پاسخ: خیر؛ چرا؟ چون سنت جمعه تابع آن است.

دوم: اگر دو عبادت مستقل باشند ـ به‌گونه‌ای که هر یک از دیگری جدا بوده و خودِ آن عمل مقصود باشد ـ در یکدیگر تداخل نمی‌کنند.

برای مثال: اگر کسی بگوید: «من پیش از ظهر دو رکعت نماز می‌خوانم و نیت چهار رکعت می‌کنم»؛ چرا که نافلهٔ پیش از ظهر چهار رکعت است که دو سلام دارد. پس اگر بگوید: «دو رکعت می‌خوانم و نیت چهار رکعت می‌کنم»، این کار جایز نیست؛ زیرا این دو عبادت در اینجا مستقل هستند و هر کدام از دیگری جداست و خودِ آن عمل مقصود است، پس یکی جایگزین دیگری نمی‌شود.

مثالی دیگر: پس از نماز عشا، راتبهٔ عشا و پس از آن نماز وتر است. در نماز وتر جایز است که آن سه رکعت را با دو سلام بخوانیم؛ یعنی ابتدا دو رکعت [شفع] و سپس یک رکعت وتر بخواند. حال اگر کسی بگوید: «من می‌خواهم راتبهٔ عشا را به جای شفع و وتر و همان نافلهٔ عشا قرار دهم»، این کار جایز نیست؛ چون هر عبادت مستقل از دیگری و خود مقصود است، لذا صحیح نیست.

سوم: اگر یکی از دو عبادت، خودش [به‌طور ویژه] مقصود نباشد و صرفاً انجام آن نوع از عبادت مقصود باشد، در اینجا یکی از آن دو به جای دیگری کفایت می‌کند؛ اما اصل جایگزین فرع می‌شود.

برای مثال: شخصی پس از اذان و پیش از آنکه نماز فجر را بخواند، وارد مسجد می‌شود. در اینجا او به دو کار موظف است: تحیت مسجد [نماز ورود به مسجد]؛ چرا که تحیت مسجد خودش مقصود نیست، بلکه مقصود آن است که تا دو رکعت نماز نخوانده‌ای ننشینی. پس وقتی نافلهٔ فجر را بخوانی، این سخن بر تو صدق می‌کند که تا دو رکعت نماز نخوانده‌ای ننشسته‌ای و مقصود حاصل شده است. اما اگر نیت فرع را بکنی ـ یعنی فقط نیت تحیت کنی و نیت نافلهٔ فجر را نکنی ـ این نماز جایگزین نافله نمی‌شود؛ زیرا نافلهٔ فجر خودش مقصود است، اما تحیت صرفاً برای خواندن دو رکعت [پیش از نشستن] است.

اما دربارهٔ پرسش سؤال‌کننده: اگر کسی هنگام اذان ظهر وارد مسجد شود و دو رکعت نماز بخواند و نیت تحیت مسجد، سنت وضو و سنت راتبهٔ ظهر را بکند؟

اگر نیت تحیت مسجد و راتبه را [با هم] داشته باشد، کفایت می‌کند.

و اما دربارهٔ سنت وضو؛ باید دید منظور پیامبر ﷺ از این کلام که فرمود: «هر کس همانند این وضوی من وضو بگیرد و سپس دو رکعت نماز بخواند که در آن با خود سخن نگوید، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود»، چیست؟ آیا مقصود ایشان این است که حتماً دو رکعت نماز [مستقل] پس از وضو وجود داشته باشد، یا مقصود این است که هرگاه وضو گرفتی، دو رکعت نماز بخوان؟

اینجا بررسی می‌کنیم؛ اگر مقصود این باشد که «هرگاه وضو گرفتی دو رکعت نماز بخوان»، آن دو رکعت مقصود [بالذات] می‌شوند. اما اگر مقصود این باشد که هر کس پس از وضو دو رکعت نماز بخواند ـ به هر کیفیتی که آن دو رکعت باشد ـ در این صورت این دو رکعت جایگزین سنت وضو، تحیت مسجد و نافلهٔ ظهر می‌شود.

آنچه برای من آشکار است ـ و علم نزد الله است ـ اینکه سخن پیامبر ﷺ «سپس دو رکعت نماز بخواند»، به معنای دو رکعت نماز به‌خصوص و لذاته نیست، بلکه مقصود آن است که دو رکعت نماز بخواند، هرچند نماز واجب باشد.

بر همین اساس، در مثالی که سؤال‌کننده ذکر کرد می‌گوییم: این دو رکعت به جای سنت وضو، تحیت مسجد و راتبهٔ ظهر

کفایت می‌کند.

مثالی دیگر: شخصی روز جمعه برای جنابت غسل می‌کند، آیا این غسل جایگزین غسل جمعه می‌شود؟

اگر با غسل جنابت، نیت غسل جمعه هم بکند، برایش حاصل می‌شود؛ به دلیل سخن پیامبر ﷺ که فرمود: «و برای هر کس همان است که نیت کرده است». اما اگر فقط نیت غسل جنابت کند، آیا از غسل جمعه کفایت می‌کند؟

باید دید آیا غسل جمعه خودش مقصود است، یا مقصود آن است که انسان برای این روز پاکیزه شود؟

مقصود [از این غسل] پاکیزگی است؛ به دلیل سخن پیامبر ﷺ که فرمود: «کاش برای این روزتان خود را پاکیزه می‌کردید». پس مقصود از این غسل آن است که انسان در روز جمعه پاکیزه باشد و این هدف با غسل جنابت حاصل می‌شود. بر این اساس، اگر کسی روز جمعه غسل جنابت کند، از غسل جمعه کفایت می‌کند، حتی اگر نیت نکرده باشد؛ و اگر نیت کند که موضوع روشن است. پایان نقل قول از «مجموع فتاوی و رسائل ابن عثیمین».

بنابراین روشن شد که تعیین معیار برای این قاعده (تداخل نیت‌ها) موضوعی اجتهادی است؛ یعنی هر عالم بر اساس برداشت خود از متون شرعی و اصول فقه، و همچنین با تکیه بر این مطلب که آیا یک عبادت به خودی خود هدف است (اصالت) یا تابع عبادتی دیگر (تبعیت)، در این باره نظر می‌دهد. به همین سبب، علمای حنفی این معیار را برگزیده‌اند که تداخل تنها در «وسایل عبادات» (مقدمات و پیش‌نیازهایی مانند طهارت) صحیح است. بنابراین از دیدگاه آنان، یکی کردن نیت در مقدمات نماز جایز است؛ مثلاً فرد می‌تواند با انجام تنها یک غسل، هم نیت غسل جنابت [رفع ناپاکی واجب] و هم نیت غسل جمعه [عبادت مستحب] را داشته باشد.

اما در «مقاصد» یعنی عبادت‌هایی که به خودی خود هدف هستند [نه مقدمه] تداخل در نیت صحیح نیست؛ مثلا اگر کسی بخواهد با خواندن چهار رکعت نماز، هم نیت نماز واجبِ وقت را بکند و هم نیت قضای نمازی را که پیشتر از او فوت شده، این کار درست نیست.

ابن رجب حنبلی رحمه الله می‌گوید:

«هرگاه دو عبادت از یک جنس در یک زمان جمع شوند، به گونه‌ای که هیچ‌کدام از آن‌ها به صورت قضا یا به طور تبعیت از دیگری در آن وقت انجام نشود؛ کارهای آن‌ها با هم تداخل می‌یابند و به یک فعل برای هر دو بسنده می‌شود. و این بر دو گونه است:

[نخست] اینکه با یک فعل، هر دو عبادت با هم حاصل شوند؛ که در این صورت بنابر قول مشهور، شرط است که هر دو را با هم نیت کند.

از نمونه‌های آن: کسی که دو حدث اصغر و اکبر (بی‌وضویی و جنابت) دارد؛ مذهب این است که اگر هر دو طهارت را با هم نیت کند، کارهای طهارت کبری (غسل) برای او کافی است...»

ایشان در ذکر فروع این بحث و استخراج آن‌ها بر اساس مذهب تفصیل زیادی داده و سپس گفته است:

«[دوم]: اینکه یکی از دو عبادت با نیت آن حاصل شود و دیگری از او ساقط گردد؛ و برای این مورد نمونه‌هایی است [از جمله]: هرگاه کسی وارد مسجد شود در حالی که نماز برپا شده است و با آن‌ها (جماعت) نماز بخواند؛ تحیت از او ساقط می‌شود... [از جمله اینکه]: هرگاه عمره‌گزار وارد مکه شود؛ او با طواف عمره آغاز می‌کند و طواف قدوم از او ساقط می‌شود...». «قواعد ابن رجب» (۱/۱۴۲) و مابعد آن را ببینید.

فقیهان مذاهب دربارۀ ضابطۀ آنچه تداخل در آن صحیح است و آنچه صحیح نیست، تفصیلاتی دارند.

برای فایدۀ بیشتر به: «التداخل وأثره في الأحكام الشرعية» نوشتۀ دکتر محمد خالد منصور ـ که بر روی اینترنت موجود است ـ صفحۀ (۶۳) و پس از آن نگاه کنید.

والله اعلم.